

سیاست جنایی افغانستان در قبال مواد مخدر

ضامن علی حبیبی*

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

چکیده

بعد از فروپاشی نظم و ثبات سیاسی افغانستان در دهه پنجاه هجری شمسی، انواع گوناگون جرایم سازمان یافته و شبکه سازمان یافته تبهکاری، در افغانستان ظهور نمود، که یکی از جرایم سازمان یافته‌ای که در افغانستان بسیار وسیع و گسترده ارتکاب می‌یابد جرایم مرتبط با مواد مخدر مانند تولید، توزیع و قاچاق که در تمام عرصه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی و حقوقی کشور اثر گذار بوده، می‌باشد. از این رو شبکه‌های مجرمانه تبهکار مرتبط با مواد مخدر توانسته‌اند با استفاده از ثروت‌های کلان ناشی از مواد مخدر به سهولت در ارکان اساسی و قدرت نفوذ نمایند. دولت افغانستان از بدو شکل‌گیری، در قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲ خود را مکلف به مبارزه با مواد مخدر دانسته و قوانینی را بدین منظور نیز به تصویب رسانیده است که انعکاس دهنده سیاست جنایی افغانستان در قبال مواد مخدر می‌باشد. یکی از قوانینی که در حقیقت اصلی‌ترین منبع سیاست جنایی افغانستان در مبارزه با مواد مخدر است «قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن» مصوب ۱۳۸۸ هجری شمسی است که در ماده دوم این قانون، سیاست جنایی افغانستان در قبال مواد در ابعاد مختلف تبیین شده است که متمرکز بر پیشگیری، سرکوب، اصلاح و درمان است، و متصدی سیاست جنایی دولت است که با تشکیل کمیسیون عالی مبارزه با مواد مخدر، مسئولیت این امر را عهده‌دار شده است. اما نقطه ضعف اساسی که در این سیاست جنایی قابل مشاهده این است که سیاست جنایی مشارکتی مغفول واقع شده است. جامعه مدنی، رسانه‌های عمومی غیر دولتی، شورای علما و نهادهای دینی که می‌توانستند بازوی توانمند دولت باشند، جایگاه حقوقی و تعریف شده ندارند. افزون بر این با توجه به اینکه دین و فرهنگ قبیله دو عنصر تأثیرگذار در جامعه و سیاست افغانستان بوده، لذا از ظرفیت دینی و فرهنگ قبیله نیز استفاده نشده است، که یکی از دلایل عمده عدم توفیق دولت است. افزون بر آن نفوذ شبکه‌های جرایم سازمان یافته مواد مخدر در عرصه‌های مختلف دولتی مانند شورای وزیران، شورای ملی، دستگاه عدلی و قضایی، نیروهای کشفی و امنیتی و ماموران ضبط قضایی باعث شده است که سیاست جنایی اجرایی افغانستان عقیم بماند.

واژه‌های کلیدی: سیاست جنایی، افغانستان، مواد مخدر، سرکوب، اصلاح و درمان، پیشگیری

مقدمه

یکی از نگرانی‌های اصلی جامعه جهانی و کشورهای منطقه، افزایش روز افزون جرایم مرتبط با مواد مخدر مانند زرع، تولید، قاچاق و استعمال مواد مخدر در افغانستان است. به طوری که امروزه افغانستان به یکی از مراکز اصلی تولید مواد مخدر در جهان تبدیل شده است. با توجه به اینکه بخشی از درآمدهای ناشی از تولید مواد مخدر بنام مالیات اسلامی (عشر) در اختیار گروه‌های دهشت افکن و تروریست مانند طالبان، القاعده و اخیراً داعش قرار می‌گیرد یک نوع همکاری کوتاه‌مدت بین تولیدکنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر و گروه‌های مسلح تروریستی بوجود آمده است.

گروه‌های تروریستی برای تأمین هزینه مالی خود نیازمند حمایت مالی تولیدکنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر هستند و متقابلاً دست‌اندرکاران مواد مخدر برای این که اراضی بیشتری را به منظور کشت خشخاش، به دور از کنترل دولت در اختیار خود داشته باشند، نیازمند همکاری گروه‌های تروریستی هستند. تا در شرایط لازم، در مقابل مجریان قانون مانند مأمورین دستگاه عدلی و قضایی و مأمورین ضبط قضایی (پلیس قضایی) با آنان همکاری نمایند. بخاطر این تعامل و همکاری بین مرتکبین جرایم مواد مخدر و گروه‌های تروریستی، قانون‌گذار افغانستان قانون مبارزه با تمویل تروریزم و قانون مبارزه با مسکرات مواد مخدر را تصویب نموده است، که با استناد به این قوانین تمویل‌کنندگان گروه‌های تروریستی را که شامل تولیدکنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر هستند مجازات نماید. تمویل تروریزم و جرایم مرتبط با مواد مخدر از جرایم اصلی در افغانستان شمرده می‌شود که در سیاست جنایی افغانستان، قانون مستقل را به خود اختصاص داده است، زیرا «رسالت و هدف سیاست جنایی هر جامعه در واقع تضمین امنیت جانی، مالی و حیثیتی شهروندان، از یک سو و تأمین امنیت نهادهای عمومی آن از سوی دیگر است. سیاست جنایی در نهایت به دنبال حفظ یکپارچگی و انسجام جامعه و استمرار بخشیدن به نظم عمومی است (نجفی ابرندآبادی ۱۳۹۲: ۴۲) که بخاطر حفظ نظم عمومی و امنیت جانی و مالی شهروندان، دولت خود را مکلف به امر مبارزه با مواد مخدر و جرایم تروریستی دانسته است که امروزه این دو پدیده جنایی در افغانستان پیوند وثیق و ناگسستنی دارد.

یکی از جرایم سازمان‌یافته فراملی، جرایم مرتبط با مواد مخدر مانند زرع، قاچاق، نقل و انتقال مواد مخدر است؛ هرچند جامعه افغانستان با اینکه بیشترین آسیب را از جرایم مواد مخدر می‌بیند ولی در سیاست جنایی مجازات اعدام را در جرایم مواد مخدر نپذیرفته، و بالاترین مجازات در جرایم مخدر حبس دوام یعنی شانزده تا بیست سال می‌باشد.

تبیین مفاهیم

افزایش جرایم، ظهور اشکال نوین بزه‌کاری، کاربرد شگردهای جدید در ارتکاب جرایم، افزایش جرایم سازمان‌یافته و شیوه‌های متنوع تطهیر درآمدها و سرمایه‌های نامشروع حاصل از بزه‌کاری، گسترش فعالیت‌های مجرمانه منطقه‌ای و بین‌المللی در دهه اخیر و به موازات آن بالا رفتن احساس ناامنی و ترس از جرم در میان شهروندان به ویژه از جرایم خشونت‌آمیز موجب شده است که بزه‌کاری به صورت یکی از نگرانی‌های اساسی مردم درآمد و در پی آن حکومت‌ها مطالعه، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را در قلمرو و کنترل آن و نیز کاهش احساس ناامنی را ضروری تشخیص دهند (همان: ۲۲). در این مقاله سیاست جنایی افغانستان در قبال جرم مواد مخدر بررسی می‌شود، که سوال اصلی تحقیق را می‌توان اینگونه مطرح کرد: در سیاست جنایی افغانستان در قبال مواد مخدر چه تدابیری اندیشیده شده است؟

سیاست جنایی افغانستان در قبال مواد مخدر اعم از سرکوب، پیشگیری، اصلاح، توانمندسازی، بازپروری و اصلاح مجدد است، که در ماده دوم قانون مبارزه با مواد مخدر اهداف سیاست جنایی تقنینی افغانستان به خوبی تبیین شده است. ولی سیاست جنایی مشارکتی مورد غفلت واقع شده است؛ زیرا ابزار مبارزه با جرایم مواد مخدر در انحصار دولت است که جامعه مدنی و سازمان‌های اجتماعی (NGO) جایگاه تعریف شده و نقش مشخص، در قبال مبارزه با جرائم مواد مخدر ندارد، که درحقیقت یکی از نقاط ضعف سیاست جنایی افغانستان و دلیل عدم موفقیت آن در قبال مبارزه با مواد مخدر و سایر جرایم سازمان‌یافته شمرده می‌شود.

سیاست جنایی افغانستان در قبال مواد مخدر با محوریت کود جزا که در فصل پنجم از ماده ۲۹۹ تا ۳۲۲ جرایم مرتبط با مواد مخدر جرم‌انگاری شده است، تحلیل می‌گردد و همچنین نیم‌نگاهی به قانون مبارزه با مسکرات و مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ نیز می‌شود. بنابراین، سایر جرایم سازمان‌یافته فراملی و همچنین سایر قوانین مرتبط با مواد مخدر، خارج از موضوع تحقیق است.

تعریف مواد مخدر در حقوق افغانستان

«مواد مخدر به مفهوم این قانون، عبارت از موادی است که استعمال آن اعتیاد را بار می‌آورد، تشویشات فکری، عصبی و انحطاط اخلاقی ایجاد می‌کند و سبب بروز امراض صعب‌العلاج می‌شود یا موجب بروز مشکلات صحتی و اجتماعی در جامعه می‌گردد» (قانون مبارزه با مواد مخدر: ماده ۳). مواد مخدر دارای یک معنای عام و یک معنای خاص است. مواد مخدر در معنای عام به موادی گفته می‌شود که سبب حالتی متضاد با حالت هوشیاری می‌شود اعم از اینکه قانون استعمال آن‌ها را ممنوع ساخته یا

مجاز باشد، اما معنای خاص آن شامل موادی است که مصرف آن‌ها تغییراتی در کارکرد بیولوژیکی بدن بوجود می‌آورد و قانون‌گذار استعمال آن‌ها را ممنوع کرده است. سازمان بهداشت جهانی مواد مخدر را منحصر به مواد شیمیایی دانسته که سلامت بدن نیازمند آن‌ها نیست. این تعریف که به معنای عام مواد مخدر نظر دارد شامل مواد غیرشیمیایی نمی‌شود (زراعت، ۱۳۸۶: ۵۲).

مصادیق مواد مخدر در حقوق افغانستان

مواد مخدر در این قانون عبارت است از: تریاک و جمیع مشتقات آن، چرس و جمیع مشتقات آن، سایر مواد مخدر و مشتقات کیمیاوی آن که در جداول مرتبه کنوانسیون بین‌المللی مواد مخدر منضمه این قانون از آن بنام ادویه سیکواکتیف یاد شده است (قانون مبارزه با مواد مخدر: ماده ۴).

مواد مخدر و مواد روان‌گردان: عبارت از مواد طبیعی و صنعتی است که در جدول‌های شماره ۱ تا ۴ منضمه قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن، تنظیم و تصنیف گردیده است.

قاچاق مواد مخدر و مواد روان‌گردان: عبارت از زرع نباتات مولد مواد مخدر، تولید، تهیه، پروسس، خرید، فروش، نگهداشت، توزیع، کمیشن‌کاری، وارد، صادر، حمل و نقل (ترافیک)، انتقال، ارسال، عرضه، ذخیره، یا اخفای مواد مخدر و روان‌گردان مندرج جدول‌های شماره ۱ تا ۳ منضمه قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن، یا مرکب حاوی آن‌ها و یا فعالیت‌های متذکره در مورد هر ماده کیمیاوی اولیه (پریکرسر)^۱ مندرج جدول شماره ۴ منضمه قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن، به منظور استعمال در تولید و ترکیب غیر قانونی مواد مخدر و روان‌گردان، بدون جوازنامه و اجازه نامه مندرج قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن می‌باشد. ساخت، حمل و نقل، خرید و فروش و توزیع آگاهانه و سایل و تجهیزاتی که در کشت، تولید، تهیه مواد مخدر و مواد روان‌گردان استفاده می‌گردد، نیز در حکم قاچاق مواد مخدر و مواد روان‌گردان می‌باشد.

با توجه ماده فوق می‌توان تعریف زیر را از جرم مواد مخدر ارائه نمود: جرایم مواد مخدر عبارتند: «از هرگونه کشت، ساخت و تبدیل، نقل و انتقال، خرید و فروش، اخفا و نگهداری و استعمال یا مداخله در مواد مخدر که برخلاف موازین قانون صورت پذیرد». در این تعریف، کلمه ساخت شامل تولید هم می‌شود و کلمه تبدیل شامل تغییر شکل و ماهیت ماده و در نهایت به شکل ماده مخدر در آوردن ماده مورد نظر می‌شود. کلمات نقل و انتقال شامل وارد کردن، صادر کردن، توزیع و حمل و ارسال می‌شود و کلمه استعمال،

1- Precursor

اعم است از اعتیاد استعمال تفتنی و اتفاقی و مداخله اعم است از این که ارتکاب جرم به صورت مباشرت یا معاونت یا وساطت و... باشد (رحمدل، ۱۳۹۱: ۳۱). منظور از کشت، هرگونه عملیاتی است که به تولید طبیعی خشخاش منجر می‌شود اعم از اینکه در یک مزرعه یا باغچه یا حتی گلدان کوچک صورت گیرد و شامل همه مراحل زراعت اعم از کشت و برداشت می‌شود، اگرچه وضعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی کشور برای کشت انواع مواد مخدر مناسب است (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۸).

تعریف سیاست جنایی

اصطلاح و مفهوم سیاست جنایی به عنوان رشته مطالعاتی علمی، برای نخستین بار توسط دانشمند آلمانی، آنسلم فون فوئرباخ^۱ در کتاب «حقوق کیفری» او که در ۱۸۰۳ میلادی چاپ و منشر گردید به کار برده شده است. فوئرباخ سیاست جنایی را «مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد.» تعریف کرده و بدین ترتیب مفهوم مضیقی از آن به دست داده است که در حقیقت همان «سیاست کیفری» است؛ زیرا سیاست جنایی در تفکر فوئرباخ:

- ۱- مبتنی و مجهز به تدبیرها و امکاناتی است که از نظر ماهیت عمدتاً قهرآمیز و تنبیهی هستند، یعنی آن چه حقوق و نظام کیفری برای مقابله با مجرمان در اختیار آن می‌گذارد.
- ۲- جنبه رسمی، یعنی دولتی دارد و صرفاً توسط قوای عمومی تشکیل‌دهنده حاکمیت به اجرا گذاشته می‌شود، زیرا در این دیدگاه، تأمین امنیت اجتماعی از وظایف انحصاری دولت تلقی می‌شود.
- ۳- فقط به مبارزه علیه «جرم» یعنی پدیده‌ای که تعریف و حد و مرز و انواع آن را قانون‌گذار مشخص کرده است، می‌پردازد و به سایر رفتارها جنبه منحرفانه، که هر چند از لحاظ اجتماعی و اخلاقی مذموم‌اند، ولی جنبه کیفری و ضمانت اجرای جزای ندارند، توجهی ندارند بدین‌سان انحراف و از قلمرو اقدام‌های آن خارج است.
- ۴- پیش‌گیری از جرم صرفاً با سرکوب و اجرای مجازات محقق می‌شود؛ زیرا اقدام‌های خاص پیش‌گیرانه (پیش‌گیری غیر کیفری) در سیاست کیفری جایگاهی ندارد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱)

تعریف مضیق از سیاست جنایی بر پایه تفکر قدیمی و سنتی نسبت به برخورد با جرم مطرح شده است که نظام کیفری و انواع مجازات‌ها را لازم و کافی برای مبارزه با جرم می‌دانست، هرچند به نظر

1..Anselm von Feuerbach

می‌رسد اندیشمندان جوامع بشری، هیچ‌گاه از دیگر ابزارهای مبارزه با جرم غافل نبوده‌اند و ادعای این که آن‌ها معتقد بوده‌اند تنها مبارزه با جرم است، اندکی مسامحه است. به هر حال سیاست جنایی در معنای مضیق خود همان سیاست کیفری است که امروزه یکی از زیر مجموعه‌های سیاست جنایی به شمار می‌رود و تنها شامل اقداماتی است که نظام کیفری از طریق قوه قضاییه و با به کار بستن قوانین جزایی بدان می‌پردازد. سیاست کیفری تنها برخورد حقوقی با پدیده جنایی دارد و ابزار مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی است و به همین دلیل نیز توانایی برخورد با انحراف را ندارد؛ زیرا انحراف جرم تلقی نمی‌شود (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۵۳) ولی سیاست جنایی به مفهوم وسیع تمام تدابیر و اقداماتی را که شامل دولت و جامعه مدنی به منظور جلوگیری از وقوع جرایم و در صورت وقوع برای مجازات مرتکبین اتخاذ می‌گردد، می‌باشد.

انواع سیاست جنایی

به نظر دانشمندان و صاحب‌نظران سیاست جنایی، از لحاظ کاربردی و در صحنه عمل، سیاست جنایی به چهار دسته متفاوت تقسیم می‌گردد:

- ۱) سیاست جنایی تقنینی، که همان تدبیر قانون‌گذار در مورد واکنش علیه جرم است.
 - ۲) سیاست جنایی قضایی، که شامل برداشت قوه قضاییه از سیاست جنایی تقنینی می‌شود.
 - ۳) سیاست جنایی اجرایی، که در واقع نحوه درک و اجرای قوانین و احکام قضایی در مورد کنترل جرم و واکنش‌های ضد آن می‌باشد.
 - ۴) سیاست جنایی مشارکتی، این جنبه از سیاست جنایی ممکن است در بردارنده حالت‌های پیشین باشد. به عبارت دیگر ممکن است سیاست جنایی مشارکتی، با هر کدام از سیاست جنایی‌های تقنینی، قضایی و اجرایی در ارتباط نزدیک باشد.
- اینجاست که در واقع تجلی حضور و نقش جامعه مدنی در سیاست جنایی در نظام‌های مختلف کشورها مشخص می‌گردد. در این رویکرد مردم با توجه به نوع نظام در مراحل مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی به منظور کنترل و پیشگیری و حتی در مرحله تعیین نوع پاسخ به پدیده‌های مجرمانه نقش ایفا می‌نماید. به عبارت دیگر قلمرو یا دامنه سیاست جنایی مشارکتی شامل تمام مراحل تدوین و اجرای سیاست جنایی می‌شود که البته در این میان، مرحله اجرای سیاست جنایی که شامل پیشگیری و مرحله واکنش به پدیده مجرمانه می‌باشد، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

۱- سیاست جنایی تقنینی

در افغانستان متصدی سیاست تقنینی، شورای ملی است و شورای متشکل است از مجلس عوام (ولسی جرگه) و مجلس اعیان (مشرانو جرگه)، زیرا قانون در افغانستان عبارت است از مصوبه هر دو اطلاق پارلمان و توشیح رئیس جمهور، افزون بر آن رئیس جمهور صلاحیت صدور فرمان تقنینی را نیز دارد، در صورتی که فرامین تقنینی از طرف شورای ملی رد نشود در حکم قانون محسوب می‌شود.

۲- سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق آن، شامل سیاست جنایی می‌شود که در تصمیم‌ها و رویه‌های دادگاه‌های دادگستری منعکس است... سیاست جنایی قضایی در زمینه حمایت از حقوق بشر شامل طرح موضوع چگونگی دریافت و اعمال قواعد و مقررات بین‌المللی یا حقوق داخلی راجع به حمایت از حقوق بشر توسط دادگاه‌های ذیربط می‌شود وظیفه خاص تفسیر، ارشاد و اعمال در وسیع‌ترین معنای آن، به قوه قضائیه محول شده است (لازرز، کریستین ۱۳۹۲: ۱۴۸). متصدی سیاست جنایی قضایی در افغانستان قوه قضائیه است، قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان شمرده می‌شود که در رأس آن دادگاه عالی قرار دارد که متشکل از ۹ عضو هستند که با پیشنهاد رئیس جمهور و تأیید پارلمان تعیین می‌شود.

۱- مطابق به احکام مندرج مواد سی و دوم و پنجاهم قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان، یک دیوان مخدر در چوکات محکمه ابتدائیه ولایت کابل و یک دیوان مخدر در چوکات محکمه استیناف ولایت کابل ایجاد می‌گردد.

۲- هریک از دیوان‌های مندرج فقره (۱) این ماده متشکل از یک رئیس و شش عضو می‌باشد.

۳- رؤسای دیوان‌ها رهبری و تنظیم امور دیوان‌های مربوط را به عهده داشته و مطابق احکام مندرج مواد سی و هفتم و چهل و سوم قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان، از جلسات قضایی ریاست می‌نمایند.

۴- رسیدگی به جرایم مواد مخدر در حالات ذیل در تمام کشور منحصرأً از صلاحیت دیوان‌های مندرج فقره (۱) این ماده می‌باشد:

الف) هرگاه مقدار هروئین، مورفین، کوکائین یا هر مرکب حاوی این مواد، دو کیلوگرم یا بیشتر از آن باشد.

ب) هرگاه مقدار تریاک یا هر مرکب حاوی این ماده، ده کیلوگرم یا بیشتر از آن باشد.

- (ج) هرگاه مقدار چرس یا مرکب حاوی مواد مندرج جداول شماره‌های (۱، ۲، ۳ و ۴) منضمه این قانون، (به استثنای هروئین، مورفین، کوکائین، و تریاک)، بیشتر از پنجاه کیلوگرم باشد.
- ۵- هرگاه مقدار مواد مخدر کمتر از مقادیر مواد مندرج فقره (۴) این ماده بوده، رسیدگی به آن طبق احکام قانون از صلاحیت دیوان‌های امنیت عامه محاکم ولایات می‌باشد.
- ۶- رسیدگی به جرایم مواد مخدر مطابق احکام قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان و سایر قوانین مربوط صورت می‌گیرد.
- ۷- تقرر قضات دیوان‌های مرکزی مواد مخدر و سایر امور ذاتی آن‌ها، مطابق احکام قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان صورت می‌گیرد.
- ۸- مقدار و نوعیت مواد مخدر شامل صلاحیت دیوان‌های مندرج فقره (۴) این ماده با رعایت حکم ماده سی و سوم این قانون تعدیل شده می‌تواند.
- ۹- دیوان‌های مواد مخدر صلاحیت بررسی سایر جرایم را که به ارتباط جرایم مندرج اجزای (۱، ۲ و ۳) فقره (۴) این ماده ارتکاب می‌شود، نیز دارا می‌باشند.»
- در عرصه سیاست جنایی قضایی افغانستان، علی‌رغم اینکه دارای محاکم اختصاصی مواد مخدر است که در چارچوب قوه قضائیه افغانستان اجرای وظیفه می‌نمایند. قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه افغانستان به دادگاه عالی اجازه می‌دهد که در مرکز کشور یک محکمه ابتدائیه و یک محکمه استیناف به منظور رسیدگی به جرایم مواد مخدر تأسیس نماید. در مواردی که جرم مواد مخدر مشمول موارد فقره چهار این ماده باشد در هر نقطه‌ای از کشور که ارتکاب یافته باشد، در صلاحیت دیوان مبارزه با مواد مخدر ولایت کابل است. با توجه به اهمیت جرایم مخدر و رابطه نزدیک آن با جرایم تروریستی قانون‌گذار افغانستان در عرصه سیاست جنایی تقنینی با تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون مبارزه با تمویل تروریسم توجه خاصی به آن مبذول داشته است و در عرصه سیاست جنایی قضایی محاکم اختصاصی رسیدگی به جرایم مواد مخدر را در مرکز ولایات تأسیس نموده است که عمدتاً از قضات با تجربه و با امتیازات مادی بالا استفاده می‌کنند تا بتواند در امر مبارزه با جرایم مخدر توفیق حاصل نماید، زیرا براساس ماده هفتم قانون اساسی یکی از وظایف دولت مبارزه با جرایم تروریستی و مواد مخدر است که این دو پدیده جنایی در افغانستان امروز با هم مرتبط هستند، «دولت از هر نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می‌کند» (قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۲).

۳- سیاست جنایی اجرایی

اجرای سیاست جنایی در افغانستان به عهده حکومت است. حکومت در افغانستان متشکل از رئیس جمهور و وزراء است که تحت ریاست رئیس جمهور اجرای وظیفه می‌کند. پلیس و دادستانی به عنوان نهادهای زیر مجموعه حکومت مسئولیت پیش‌گیری از وقوع جرایم و اجرای مجازات و فیصله‌های محاکم را به عهده دارد. در مورد اجرایی‌شدن سیاست جنایی در قبال مواد مخدر کمیسیون عالی مبارزه با مواد مخدر در قانون پیش‌بینی شده است که تحت ریاست وزیر مبارزه با مواد مخدر انجام وظیفه می‌کند، ولی سیاست جنایی مشارکتی در افغانستان مورد غفلت قانون‌گذار واقع شده است؛ زیرا کمیسیون عالی مبارزه در مرکز و ولایات متشکل از مأمورین دولتی است که اعضای جامعه مدنی در آن نقش حقوقی تعریف شده ندارد.

۴- سیاست جنایی مشارکتی

در افغانستان علی‌رغم رشد و گسترش سازمان‌های غیر دولتی (NGO) در تمام عرصه‌های اجتماعی ولی در قبال مبارزه با مواد مخدر برای جامعه مدنی، جایگاه حقوقی تعریف شده وجود ندارد؛ زیرا دولت به تنهایی مسئولیت امر مبارزه با مواد مخدر را به عهده گرفته است که این مسئولیت به دوش دولت سنگینی کرده و در عرصه عمل توفیق نداشته است. پیشنهاد سیاست جنایی مشارکتی یا همراه با مشارکت وسیع جامعه مدنی، یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی اهرم‌های تقویتی و نهادهای واسط دیگری به غیر از پلیس یا قوه قضاییه، از یک سو، به منظور اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی که قوه مجریه و قوه مقننه تهیه و تنظیم کند و از سوی دیگر و به ویژه برای فراهم کردن زمینه اجرای آن، استفاده از قدرت رسانه‌ها انجمن‌ها و شهروندان حول یک سیاست جنایی ضروری است (لازرژ، ۱۳۹۲: ۱۶۴)، ولی در افغانستان دولت نتوانسته است در مبارزه با جرایم مواد مخدر ظرفیت‌های اجتماعی را بسیج نماید و خود به تنهایی مسئولیت مبارزه را به عهده گرفته است که با توجه ریشه‌دار بودن گروه تبهکار سازمان‌یافته و نفوذ آن در لایه‌های گوناگون دولت در این مبارزه ناموفق بوده است.

سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قبال جرایم مواد مخدر

هر کشوری برای مواجهه و مقابله با جرایم تدابیری را اتخاذ می‌کند که انعکاس‌دهنده سیاست جنایی همان کشور است. اصولاً اگر سیاست جنایی را به منزله تدابیر مواجهه با جرم تلقی کنیم، هیچ حکومتی در طول تاریخ فاقد سیاست جنایی نبوده است؛ زیرا به هر حال در مقابل جرم واکنش خاصی داشته است

حتی عدم واکنش گونه‌ای از سیاست جنایی است (قیاسی، ۱۳۸۵: ۲۷). قانون‌گذار افغانستان در ماده دوم قانون مبارزه با مواد مخدر سیاست جنایی تقنینی افغانستان را به شرح زیر بیان می‌کند: مبارزه علیه مواد مخدر به منظور تحقق اهداف ذیل صورت می‌گیرد. وقتی سخن از سیاست جنایی به میان می‌آید گاهی معنای مضیق آن در نظر است که مشتمل بر جرم، مجازات، قانون و قضاوت است که همان حقوق کیفری یا سیاست کیفری می‌باشد، اما سیاست جنایی معنای وسیع‌تر دارد و به مجموعه روش‌های گفته می‌شود که در مقابل جرم و انحراف، اتخاذ می‌گردد.

بنابراین در سیاست جنایی عملی که با آن مبارزه می‌شود منحصر در جرم نیست و هرگونه کجروی و انحرافی را شامل می‌شود و از سوی دیگر، جامعه تمامی امکانات و توانایی‌های خود را برای جلوگیری از وقوع جرم و مبارزه با آن به کار می‌گیرد؛ زیرا سیاست جنایی یعنی اتخاذ اصول و تدابیر لازم در برابر جرایم و دفع و رفع آن‌ها و یا کاستن آن‌ها می‌باشد. سیاست جنایی در برخی از منته اصل انتقام را معمول داشته است و در برخی از منته منبای سیاست جنایی بر اصلاح مجرمان است، به همین رو زندان‌ها را بدل به مراکز اصلاح بزه‌کاران می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۲۱). در ماده دوم قانون مبارزه با مسکرات مواد مخدر (مصوب ۱۳۸۹) سیاست جنایی افغانستان را در قبال مواد مخدر بیان می‌کند و مقرر می‌دارد: «ماده دوم: اهداف این قانون عبارت اند از:

- ۱- جلوگیری از زرع خشخاش، بنگ، کوکائین و سایر نباتات مولد مواد مخدر.
- ۲- جلوگیری از تولید، تهیه، پروسس، خرید، فروش، نگهداشت، توزیع، کمیشن‌کاری، واردات، صادرات، حمل و نقل (ترافیک)، عرضه، استعمال، ذخیره و اخفای مسکرات و مواد مخدر یا مواد مختل‌کننده روان.
- ۳- تنظیم و کنترل مواد مخدر، ادویه روانی و مواد کیمیاوی اولیه و تجهیزات مورد استعمال در تولید و پروسس مواد مخدر و ادویه روانی به منظور جلوگیری از استعمال غیر قانونی آن‌ها و حصول اطمینان از اینکه مواد مذکور برای مقاصد طبی، علمی، تحقیقاتی و صنعتی، طبق احکام قانون مورد استعمال قرار می‌گیرد.
- ۴- مجازات مرتکبین جرایم قاچاق مسکرات و مواد مخدر.
- ۵- تامین هماهنگی میان ادارات دولتی و غیر دولتی در امر مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و نظارت و ارزیابی از تطبیق استراتژی ملی کنترل مواد مخدر.
- ۶- تشویق دهاقین به زرع نباتات مفیده به عوض خشخاش، بنگ، کوکائین و سایر نباتات مولد مواد مخدر.

۷- جلب همکاری و مساعدت سازمان‌های غیر حکومتی داخلی و خارجی و سازمان‌های بین‌المللی در امر مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر، ادویه روانی و مواد کیمیاوی و تجهیزات مورد استعمال در تولید پروسس آن».

سیاست جنایی افغانستان در قبال مواد مخدر از دو بعد سیاست جنایی سرکوب‌گرانه و پیش‌گیرانه تشکیل شده است. در ماده ۳۰۲ کود جزا آمده است: «شخصی که مرتکب قاچاق هروئین یا کوکائین گردد حسب احوال با در نظر داشت مقدار مواد، حسب احوال به مجازات ذیل محکوم می‌گردد: الف) در صورتی که مقدار مواد، بیش از دو صد و پنجاه گرم یا سی سی تا پنجمصد گرم یا سی سی باشد، به حبس بیش از نه ماه. ب) در صورتی که مقدار مواد، بیش از پنجمصدگرم یا سی سی تا یک کیلوگرم یا یک لیتر باشد، به حبس متوسط تا دو سال.

ج) در صورتی که مقدار مواد، بیش از پنجمصد گرم تا یک کیلوگرم باشد به حبس طویل تا ده سال».

که این ماده و مواد بعدی، در حقیقت همان سیاست کیفری است که با ابزار مجازات و سرکوب در برابر مرتکبین جرم مواد مخدر واکنش نشان می‌دهد. در فقره (۱-۲-۳) از اقدامات و تدابیر پیش‌گیرانه صحبت به عمل آمده است که شرح داده می‌شود:

جلوگیری از کشت مواد مخدر

جلوگیری از تولید مواد اصلی مخدر یعنی تریاک، حشیش و کوکائین که مواد طبیعی هستند (در مقابل مواد مخدر شیمیایی) اولین گام برای مبارزه با جرایم مواد مخدر می‌باشد؛ زیرا تا مواد مخدر تولید نشود جرایم همچون خرید و فروش حمل نگهداری، وارد کردن، صادر کردن استعمال و... رخ نمی‌دهد و طبیعی است که اولین اقدام قانون‌گذار نیز در امر مبارزه با جرایم مواد مخدر واکنش نسبت به تولید است که ساده‌ترین راه آن کشت مواد مخدر است (زراعت، ۱۳۸۶: ۱۵۳). به دلیل اهمیت کشت مواد مخدر است که قانون‌گذار افغانستان در ماده دوم قانون مبارزه با مواد مخدر بیان نموده است: «منع زرع بتنه کوکنار و بنگ (چرس)، ممنوعیت کشت کوکنار و بنگ، جلوگیری از تولید، پروسس، خرید، فروش و وارد کردن مواد مخدر به داخل افغانستان و خارج نمودن از آن عرضه نمودن مواد مخدر برای فروش نگهداری، حمل و نقل و استعمال مواد مخدر جلوگیری از تولید، پروسس، خرید و فروش، ورود، صدور، عرضه، نگهداشت، حمل و نقل و استعمال مواد مخدر» (قانون مبارزه با مواد مخدر: ۲).

منظور از کشت، هرگونه عملیاتی است که به تولید طبیعی خشخاش منجر می‌شود اعم از اینکه در یک مزرعه یا باغچه یا حتی گلدان کوچک صورت گیرد و شامل همه مراحل زراعت اعم از کشت و برداشت می‌شود، اگرچه وضعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی کشور برای کشت انواع مواد مخدر مناسب است (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۸).

حمل مواد مخدر

حمل عبارت از نقل مکان دادن ماده مخدر از نقطه‌ای به نقطه دیگر است. انتقال ماده‌ای از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر ممکن است با اهداف مختلفی صورت بگیرد. ممکن است هدف از حمل اخفاء مواد مخدر در نقطه‌ای باشد که در صورت تعقیب مأموران امکان کشف آن وجود نداشته باشد. ممکن است هدف از حمل تحویل مواد مخدر به خریدار در مقصد باشد و ممکن است هدف از حمل صادر کردن یا وارد کردن مواد مخدر باشد.

مفهوم حمل نیز بعضاً با مفاهیم اخفاء و نگهداری تداخل پیدا می‌کند. برای مثال، شخصی که مواد مخدر را در داخل جیب‌های خود یا ماشین خود قرار داد و از نقطه‌ای به نقطه دیگر انتقال می‌دهد بر عمل او هر سه عنوان صدق می‌کند. از جهت تصرف داشتن و مراقبت در حفظ آن، عمل او نگهداری، از جهت غیر قابل رویت بودن برای دیگران عمل او اخفاء و از جهت انتقال از نقطه‌ای به نقطه دیگر عمل او حمل محسوب می‌شود.

بنابراین، عمل او فعل واحد دارای عناوین متعدد می‌باشد (تعدد معنوی) و می‌بایستی برای او یک مجازات (حمل) تعیین گردد و نه سه مجازات.

کیفیت حمل: کیفیت حمل مؤثر در مقام نیست. بنابراین، فرقی نمی‌کند حمل بوسیله وسائط نقلیه زمینی یا حیوانات باربری یا در داخل جیب یا وسائط نقلیه هوایی یا دریایی صورت گرفته باشد و نیز فرقی نمی‌کند مواد محموله به مقصد رسیده باشد یا در بین راه به واسطه کشف شدن به مقصد نرسیده باشد. کیفیت حمل فقط از حیث قابل توقیف بودن یا نبودن وسیله حامل مؤثر است.

بدین توضیح که اگر وسیله حمل وسائط نقلیه باشد به حکم ماده ۳۰۹ کود جزا، شخصی که بیش از یک کیلوگرم هیروئین، کوکائین یا مورفین و یا بیش از دو کیلوگرم تریاک و یا بیش از پنج کیلوگرم چرس و یا بیش از دو کیلوگرم مواد کیمیاوی اولیه یا سایر مواد مندرج جدول‌های شماره ۱ تا ۳ منضمه قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن، را آگاهانه در وسائط نقلیه ملکیت خویش جاسازی و اخفا نموده باشد یا آن را به اجاره یا کرایه داده یا به جاسازی موافقه نموده باشد، علاوه بر جزای اصل جرم

واسطه نیز مصادره می‌گردد (کود جزا ماده ۳۰۸). چون جرم مواد مخدر از جرایم فراملی است که بدون معاضدت پلیسی و قضایی کشورهای که در مسیر ترانزیت مواد مخدر قرار دارد مسیر نمی‌شود. سیاست جنایی تقنینی افغانستان بر اصل معاضدت امنیتی و قضایی استوار است. بدین منظور قانون‌گذار افغانستان یکی از اهداف سیاست جنایی افغانستان در قبال مواد مخدر ایجاد هماهنگی در زمینه تشدید مبارزه با این پدیده ویران‌گر را در سطح ملی و بین‌المللی و منطقه‌ای می‌داند. ایجاد هماهنگی در زمینه تشدید مبارزه موثر با جرایم مواد مخدر ضرورت مساعدت و همکاری فراملی و بین‌المللی را می‌طلبد. بنابراین کشورهای منطقه (سازمان اقتصادی اکو) مانند جمهوری اسلامی ایران، جمهوری اسلامی پاکستان و جمهوری ترکیه و کشورهای آسیایی میانه به عبارت دیگر کشورهای که عضو سازمان همکاری اقتصادی اکو هستند با تدوین سیاست جنایی مشترک در امر مبارزه با مواد مخدر اقدام نمایند، زیرا سهولت ارتباطات، گسترش صنعت و تکنولوژی باعث شده است که شبکه‌های مجرمانه تبهکار با سهولت از مرزها خارج شده و از تحت تعقیب و کنترل مأمورین محلی کشف جرم خارج شوند. چنانچه قانون‌گذار افغانستان به این ضرورت فراملی و بین‌المللی توجه نموده است در فقره سوم ماده دوم قانون مبارزه با مواد مخدر آمده است: تأمین، هماهنگی در زمینه تشدید مبارزه علیه مواد مخدر در ساحه ملی و بین‌المللی (همان: ۲) بنابراین همکاری و مساعدت کشورهای عضو سازمان اکو در قبال مبارزه با مواد مخدر یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که با تدوین سیاست جنایی منطقه‌ای می‌توانند نقش موثری در امر مبارزه با مواد مخدر داشته باشند.

جلب همکاری‌های بین‌المللی

جرایم مواد مخدر از جرایم سازمان‌یافته فراملی است که از مرزهای ملی کشورها عبور نموده کشورهای همجوار و نظام بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قانون‌گذار افغانستان با در نظر داشت ضرورت معاضدت قضایی و همکاری‌هایی فراملی و بین‌المللی در مورد مبارزه با جرایم مخدر جلب همکاری بین‌المللی را یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر دانسته است. یکی از اهداف سیاست جنایی افغانستان در قبال جرایم مواد مخدر افزون بر بسیج تمام امکانات ملی و داخلی خواستار جلب همکاری بین‌المللی است. در فقره چهارم ماده دوم آمده است: «جلب همکاری و مساعدت‌های وسیع و همه جانبه ادارات و مؤسسات داخلی و خارجی در امر مبارزه علیه مواد مخدر (همان: ۲)»، زیرا امروزه جرائم فراملی رو به افزایش است و بدون همکاری بین‌المللی مهار و کنترل جرائم فراملی مانند مواد مخدر، مشکل به نظر می‌رسد. سیاست جنایی افغانستان بر این امر توجه داشته ضرورت همکاری بین‌المللی را افزون بر همکاری منطقه‌ای از اهداف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر قرار داده است.

کشت جایگزین خشخاش

یکی از راهکارهای سیاست جنایی افغانستان، در قبال مواد مخدر تشویق کشت جایگزین است. دولت وظیفه دارد که کشاورزان را به زرع نباتات مفید تشویق نماید. ممنوعیت کشت مواد مخدر بوسیله قانون گذار را می توان در قالب سیاست پیش گیرانه از جهت منفی ساختن دسترسی به مواد مخدر که یکی از اسباب اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر تلقی می شود برشمرد. بدین توضیح که قانونگذار برای جلوگیری از دسترسی افراد به مواد مخدر کشت آن ها را ممنوع اعلام می کند. در واقع می توان گفت وقتیکه قانونگذار می خواهد با عرضه مقابله کند، ابتدایی ترین کار مقابله با کشت تریاک و مشتقات مواد مخدر است که زمینه اصلی عرضه را تشکیل می دهد (رحمدل، ۱۳۸۳: ۱۱۳). تشویق دهاقین در امر تعویض زرع بنه کونار و بنگ به سایر نباتات مفیده و تأمین کمک مادی و تخنیک به آن ها از اهداف سیاست جنایی افغانستان این است که کشاورزان را تشویق به کشت جایگزین نماید. مثلاً در سال های اخیر در هرات دهقانان به جای خشخاش به کشت زعفران اقدام نموده اند، که جایگزین مناسب است؛ ولی گسترش و توسعه این اقدامات مستلزم اقدام عملی دولت است که همکاری لازم را با کشاورزان داشته باشند. وزارت زراعت و مالداري و وزارت مبارزه با مواد مخدر به عملی شدن این سیاست تدابیر عملی و مشخصی را اتخاذ نماید. کشت جایگزین با یک چالش جدی مواجه است؛ زیرا مناطق جنوب و جنوب غرب کشور که عمده ترین محصولات مواد مخدر را تولید می کند در کنترل دولت قرار ندارد، گروه تبهکاران سازمان یافته با پشتوانه مالی و اقتصادی سازمان های تروریستی تلاش می کنند تولید مواد مخدر را افزایش دهند، زیرا گروه تروریستی اولاً یک دهم (عشر) محصولات تریاک را به عنوان مالیات اسلامی از کشاورزان دریافت می کنند، افزون بر آن مبالغ زیادی را از قاچاقچیان مواد مخدر و گروه های تبهکار سازمان در قبال تأمین امنیت آنان و مبارزه با نیروهای امنیتی و مجریان قانون دریافت می کند. اشتراک منافع در جنوب افغانستان و همچنین شمال شرق افغانستان باعث ایجاد روابط مستحکم و قوی بین مجرمین مرتبط به مواد مخدر و گروه های تروریستی نموده است که باعث افزایش روزافزون ناامنی، فقر بیکاری و ناامیدی در جامعه شده است.

بازپروری و اصلاح مجدد

یکی از راهکارهای قانون گذار افغانستان، در قبال جرایم مواد راهکار بازپروری و اصلاح مجدد معتادین است؛ زیرا یکی از معضلات اساسی کشور افغانستان، افزایش تولید مواد مخدر و کشت تریاک و اعتیاد به مواد مخدر است که جنگ های دوام دار، ناامنی، بیکاری و فقر باعث شده است پدیده اعتیاد به مواد مخدر رو به افزایش باشد. قانون گذار برای بازپروری و اصلاح مجدد آنان راهکارهای مشخص و تدابیری را

اندیشیده است که برای رسیدن به این هدف ایجاد شفاخانه (بیمارستان) مخصوص تداوی معتادین و تأسیس اماکن و محلات مخصوص برای نگهداری و بازتوانی معتادین است؛ از منظر سیاست جنایی تقنینی افغانستان معتاد مجرم نیست تا با ابزار سرکوب، سزادهی و ارباب با آنان برخورد نمود؛ زیرا استفاده از سیاست سرکوب و مجازات ابزار قدیمی است که در جهت بازپروری و اصلاح معتادین تأثیر لازم ندارد. چنانچه در فقره ششم ماده دوم قانون مبارزه بیان می‌دارد: «ایجاد شفاخانه‌ها و محلات مخصوص بازتوانی جهت تداوی معتادین و آماده ساختن آن‌ها به حیات سالم اجتماع». اصلاح مجرمان از جمله رویکردها و سیاست‌های مهم مورد بحث جرم‌شناسان در یکی دو قرن اخیر است. مطالعه اندیشه‌های بشری حکایت از قدمت و دیربندی ایده اصلاح مجرمان دارد به گونه‌ای که در آرا فیلسوفان شهیر یونان مانند افلاطون و ارسطو و آنچه از جوامع باستان گزارش شده است نیز این مهم دیده می‌شود (کولمن، کاولیگتن: ۲۹-۲۷). البته رونق و رواج ایده اصلاح مجرمان در قرون اخیر بیشتر مدیون مکتب تحقیقی و عمدتاً جنبش دفاع اجتماعی نوین است، سیاست جنایی سازمان ملل نیز تا حدی زیادی متأثر از آراء بنیان‌گذاران این جنبش است (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸: ۸۴).

اتخاذ تدابیر وقایوی

یکی از راهکارهای دیگر را که قانون‌گذار افغانستان در قبال جرایم مواد مخدر اتخاذ نموده است سیاست وقایوی است. اتخاذ تدابیر وقایوی و تطبیق مؤیدات جزایی بالای اشخاصی که به زرع بتۀ کوکنار و بنگ، تولید، پروسس، خرید و فروش، توزیع، صدور، عرضه، نگهداشت، حمل و نقل و استعمال مواد مخدر اقدام می‌نمایند. سیاست جنایی شامل کلیه شیوه‌ها اعم از کیفری (سرکوب‌گری کیفری) و غیر کیفری می‌شود که جامعه با توسل به آن‌ها به پدیده مجرمانه پاسخ می‌دهد. پس بکارگیری اصطلاح پاسخ به جای واکنش حکایت از آن دارد که سیاست هم‌قبل از ارتکاب جرم برای «پیشگیری» هم بعد از ارتکاب برای سرکوبی وارد عمل می‌شود (دلماست مارتی، ۱۳۶۷: ۱۸۱). بنابراین می‌توان گفت یکی از روش‌هایی که دولت و جامعه مدنی می‌تواند در پیشگیری از جرایم مخدر ایفا نماید توسعه پیشگیری اجتماعی است که با ایجاد فضایی تفریحی سالم و اماکن آموزشی فنی و حرفه‌ای، ایجاد اشتغال برای جوانان بیکار به آن اقدام نماید؛ زیرا اکنون بسیار روشن است که حل بسیاری از مشکلات نیازمند مداخلات توسعه اجتماعی است. پیشگیری از جرم طریق توسعه اجتماعی، اهداف و برنامه‌ریزی دراز مدتی را مد نظر قرار می‌دهد تا موجب کاهش اثر جمع و ترکیب مشکلات اقتصادی، اجتماعی با یگدیگر که می‌توانند خطر بروز رفتار مجرمانه را افزایش دهد گردد. برنامه پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی طیف وسیعی از عوامل خطرزای مرتبط به

جرم را به واسطه تلاش برای سیاست‌گذاری‌های متنوع توسعه اجتماعی و ارائه و تنظیم برنامه‌ها و خدماتی هم اکنون وجود دارد هدف قرار می‌دهند. برنامه‌ها و خدماتی همانند ساخت خانه دولتی، آموزش و پرورش بهداشت امنیت درآمد و شغل و خدمات اجتماعی (غلامی، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

سیاست جنایی اجرایی در قبال مواد مخدر

در عرصه سیاست جنایی اجرایی، قانون‌گذار افغانستان کمیسیون مبارزه با مواد مخدر را پیش‌بینی نموده است که در مرکز کشور و ولایات این کمیسیون مسئولیت اصلی مبارزه با مواد مخدر را به عهده دارد. چنانچه مقرر می‌دارد به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون و مبارزه موثر علیه مسکرات و مواد مخدر، کمیسیون عالی مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر در مرکز به ترتیب ذیل ایجاد می‌گردد:

کمیسیون عالی مبارزه علیه مواد مخدر در مرکز متشکل است از:

- ۱- وزیر مبارزه علیه مواد مخدر به حیث رئیس.
 - ۲- معین مبارزه علیه مواد مخدر، وزارت امور داخله به حیث معاون.
 - ۳- معاون لوی سارنوالی به حیث عضو.
 - ۴- معین گمرکات وزارت مالیه به حیث عضو.
 - ۵- معین وزارت عدلیه به حیث عضو.
 - ۶- معین وزارت صحت عامه به حیث عضو.
 - ۷- معین وزارت اطلاعات و فرهنگ به حیث عضو.
 - ۸- معین وزارت ارشاد، حج و اوقاف به حیث عضو.
 - ۹- معین وزارت زراعت، مالداري و مواد غذایی به حیث عضو.
 - ۱۰- معاون ریاست عمومی ارگان‌های محلی به حیث عضو.
 - ۱۱- معاون ریاست عمومی امنیت ملی به حیث عضو.
- کمیسیون عالی مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر می‌تواند کمیسیون‌های فرعی را در سطح ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌جات ایجاد نماید. همانگونه که ملاحظه می‌گردد در سیاست جنایی اجرایی افغانستان، تنها دولت متصدی مبارزه با مواد مخدر است؛ زیرا کمیسیون عالی مبارزه با مواد مخدر متشکل از مأمورین و مقامات دولتی است، و سازمان‌های غیردولتی (NGO) و جامعه مدنی هیچ گونه نقشی در قبال مبارزه با مواد مخدر ندارند. سیاست جنایی مشارکتی که امروزه محور توجه قرار گرفته است در سیاست جنایی افغانستان مغفول واقع شده است.

در حالیکه در سیاست جنایی به مفهوم وسیع؛ جامعه مدنی درکنار دولت و قوای عمومی متصدی مبارزه با جرایم است و در فقره ۵ ماده دوم این قانون آمده است (تامین هماهنگی میان ادارات دولتی و غیر دولتی) و در فقره ۷ (جلب همکاری و مساعدت سازمان‌های غیرحکومتی داخلی و خارجی)، در این دو فقره از ماده دوم دولت خود را مکلف می‌داند که هماهنگی لازم میان ادارت دولتی و غیر دولتی ایجاد نماید و همچنان خواستار مساعدت سازمان‌های غیر حکومتی و بین‌المللی شود که در حقیقت سیاست جنایی مشارکتی را به ذهن متبادر می‌سازد، ولی از نحوه تشکیل کمیسیون عالی مبارزه با مواد مخدر استفاده می‌شود که این سیاست جنایی درحقیقت همان سیاست کیفری است که تنها دولت آن، هم عمدتاً در قالب اعمال مجازات در مقابل پدیده مواد مخدر واکنش نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد یکی از اشکالات اساسی این قانون و عدم توفیق دولت در مبارزه با مواد مخدر بی‌توجهی به جایگاه جامعه مدنی و سازمان‌های غیر دولتی است. با توجه به سنتی بودن جامعه اگر در کمیسیون متذکره نمایندگانی از شورای علماء و رسانه‌های عمومی و اعضای جامعه مدنی، بزرگان قومی و زمین‌داران محلی، در کنار مقامات دولتی حضور می‌داشت، قطعاً توفیق بیشتری داشت؛ زیرا در جامعه افغانستان باورهای دینی و فرهنگ قبیله، دو عنصر تأثیرگذار در جامعه است که در تدوین و تصویب سیاست جنایی مورد غفلت واقع شده است. اگر عالمان دین و پیشوایان مذهبی فتوایی برحرمت کشت، تولید و مصرف مواد مخدر بدهند جامعه نسبت به قوانین مصوب شورای ملی بیشتر می‌پذیرد. همچنین سران اقوام و قبایل اگر تصویب کنند که در ساحه نفوذشان کشت تریاک ممنوع است به دلیل فرهنگ قبیله‌گی بیشتر مورد استقبال واقع می‌شود تا قانون مصوب شورای ملی. با توجه ناامنی وسیع در مناطق تحت کنترل مخالفان و امنیت شکننده در مناطق تحت کنترل دولت زمینه تطبیق سیاست جنایی اجرایی در شرایط فعلی در بخشی از مناطق کشور امکان‌پذیر نمی‌باشد.

افزون بر آن، در ماده چهارم، وظایف و صلاحیت‌هایی را برای وزارت مبارزه علیه مواد مخدر به عنوان اداره رهبری کننده، در جهت ایجاد هماهنگی و کنترل مواد مخدر با همکاری سایر ارگان‌های ذیربط برشمرده است که ارگان‌های ذیربط و طرف مشوره وزارت مبارزه با مواد مخدر ارگان‌های دولتی است و نه جامعه مدنی و دولت، «وزارت مبارزه علیه مواد مخدر به حیث اداره رهبری کننده، مسئولیت هماهنگی امور مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر، ارزیابی از تطبیق احکام این قانون و استراتژی ملی کنترل مواد مخدر را در مشوره با سایر وزارت‌ها و ادارات ذیربط به عهده داشته، مکلف است، تدابیر لازم را به این منظور در ادارات مرکزی و ولایتی مربوط اتخاذ نماید». بنابراین سیاست جنایی افغانستان سهم و نقشی برای جامعه مدنی و سازمان‌های غیر دولتی عالمان دین و مراکز دینی قائل نشده است که این یک نقطه ضعف شمرده

می‌شود؛ زیرا در جامعه افغانستان عالمان دین نقش برجسته‌ای دارد، که با یک فتوای شرعی برحمت، کشت، مصرف، تولید و قاچاق مواد... مخدر می‌تواند یاور خوبی، برای دولت باشد که با کمال تأسف از این ظرفیت استفاده نشده است. بدین ترتیب می‌توان گفت: سیاست جنایی افغانستان، یک سیاست جنایی اقتدارگرا و تمامیت خواه به نظر می‌رسد؛ زیرا تمام ابزار واکنش در قبال جرم مواد مخدر در انحصار دولت است، جامعه مدنی که دولت در سایه محسوب می‌شود در عرصه اجراءات سیاست جنایی نقش ندارند. بهتر است که قانون‌گذار افغانستان برای کنترل و مهار جرائم مخدر، افزون بر پاسخ‌های کیفری که توسط دولت به آن داده می‌شود که عمدتاً سرکوب‌گرانه است، از ظرفیت‌های جامعه مدنی نیز استفاده کند، همچنین از تدابیر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، دینی نیز در قبال مبارزه با جرایم مواد مخدر استفاده شود، زیرا سیاست جزایی و سرکوب برای مبارزه با جرایم بطور عام و جرائم مواد مخدر بطور خاص لازم است ولی کافی نیست.

نتیجه‌گیری

دولت افغانستان با تصویب قوانین متعدد در مبارزه با جرایم مواد مخدر درخواستی است که در قانون نافذ و لازم الاجرای فعلی که مصوب ۱۳۸۹ است تحت عنوان مبارزه با مواد مخدر و مسکرات تصویب شده است سیاست جنایی خود را بر سرکوب، پیشگیری، اصلاح و درمان متمرکز نموده است. در ماده دوم قانون مزبور اهداف خود را در مبارزه با مواد مخدر بیان نموده و راهکارهای مشخصی را برای رسیدن به اهداف مورد توجه قرار داده است و برای همین منظور، وزارت مبارزه با مواد مخدر در قالب حکومت و کمیسیون عالی مبارزه با مواد در مرکز و ولایات متشکل از مقامات دولتی را تأسیس نموده است. ولی سیاست جنایی مشارکتی مورد غفلت واقع شده است؛ زیرا با وصفی که رسانه‌های عمومی و مطبوعات غیر دولتی، شورای علماء و بزرگان اقوام و قبایل می‌توانست همکاران خوبی برای دولت باشند جایگاه حقوقی تعریف شده در سیاست جنایی در قبال مواد مخدر ندارند و این یک ضعف قانون و دلیل عدم کارایی سیاست جنایی است. لازم به ذکر است که در قانون تجدید نظر صورت گیرد در کمیسیون عالی مبارزه با مواد مخدر نمایندگان جامعه مدنی، شورای علماء، بزرگان اقوام و زمین‌داران منتفذ محلی نیز عضویت یابند تا یک مبارزه همگانی علیه کشت و توزیع مواد مخدر در کشور صورت گیرد.

منابع

نجفی ابرندی، علی حسین. (۱۳۸۸). بزه‌کاری احساس ناامنی و کنترل، *مجله حقوقی دادگستری*،

شماره ۲۲

نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). *درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا*، دیپاچه ویراست سوم کتاب

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۲). *درآمدی بر سیاست جنایی*، بنیاد حقوقی میزان، تهران

حاجی ده آبادی، محمد علی. (۱۳۸۸). *اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی*، سمت، تهران

حسینی، سید محمد. (۱۳۷۶). *سیاست جنایی (مفاهیم و مدل‌ها)*، *مجله کانون وکلا*، شماره ۱۱

معاونت آموزش قوه قضاییه. (۱۳۷۸). *بررسی توصیفی جرایم مواد مخدر*، انتشارات جاودانه، تهران

رحمدل، منصور. (۱۳۹۱). *حقوق کیفری مواد مخدر*، نشر داد گستر، تهران

رستمی، ولی. (۱۳۸۶). مشارکت مردم در فرایند کیفری، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، شماره ۲،

جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، انتشارات گنج دانش، تهران

قیاسی، جلال الدین. (۱۳۸۸). *مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم

دلماش مارتی. (۱۳۶۷). *از حقوق جزا تا سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نامه مفید، تهران

زراعت، عباس. (۱۳۸۶). *حقوق کیفری مواد مخدر*، انتشارات ققنوس، تهران

کولمن، کاوینگتن. (۱۳۷۶). *روانشناسی نابهنجار و زندگی نوین*، ترجمه کیانوش هاشمیان، انتشارات دانشگاه الزهراء، قم

لازرژ، کریستین. (۱۳۹۲). *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین ابرندآبادی، بنیاد حقوقی میزان، تهران

غلامی، حسین. (۱۳۸۳). پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی، *پژوهش حقوق و سیاست*،

ش ۱۱

- قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۳
- قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹
- قانون مبارزه با تمویل تروریزم مصوب ۱۳۸۳
- قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۳۸۲
- کود جزا مصوب ۱۳۹۶